پرچم

ارگان فیض کنفدراسیون دموکراتیک دموکراتیک انجمن دانشجویان پرچم‌دار به آنجایی که پرچم سیاه ... کنفدراسیون

رویدادهای مهم سیاسی جهان

در هفتهٔ گذشته

در اروپا :

پاریس: بحران فرانسه علیرغم عدم تلاشیکه جهت آرامی آن بعمل میآید هنوز هم ادامه دارد، وتاحال د ر ین اعتصابات یازده میلیون نفر اشتراك کرده اند .

پاریس: روز نامه های فرانسه نطق جنرال دوگول را تفسیر های گوناگون منتشر کرده اند. دو گول در نطق خودگفت که فرانسه درآستان سقوط قرار نداشته است، مافرانسویان اگر بخواهیم که این بحرانات به پختگی داخلی وبرد باری بزرگ منجر شود بایدآنرا حل کنیم. جنرال دوگول در نطق (هفته) خود از جای خود تا کید کرد که اگر مردم فرانسه رفراندمی را که فرمان آن بزودی امضاء خواهد شد تائید نکنند، بست ریاست جمهوری را ترك خواهد گفت. درهنگام سخنرانی دوگول مردم فرانسه در جاده هاعلیه دولت دست به تظاهرات زده بودند.

پاریس: بحران اجتماعی فرانسه یك بحران عمیق سیاسی نیز بدنبال می شود. بالرلمان فرانسه منحل گردید. جنرال دوگول همین دیروز بنا بنا به خواست خود کرد که صدراعظم برطرف نخواهدشد. وی و زحمتکشان و محصلین وتمام مبارزین خطاز داد که از اعتصاب دست بکشند ودرنه به قوت متوسل خواهدشد. این بیانیه دوگول باعث ازدیاد حمل قل فرانسه شده است. سنده یکاری کارگران و محصلین اعلان پیوستن به ما رزات خود ادامه خواهند داد. منشی حزب کمونست فرانسه نیروب های جپ رابه اتحاد دعوت کرد، او گفت که بیانیه دو گول در حقیقت اعلان جنگ علیه همه نیرو ها ست. مزدمبکه درراه‌راه، استقلال وسعادت مردم خود مبارزه میکنند.

دردالمان غربی :

هیجان بزرگ سرا سر المان را فرا گرفته است . قوا نینی را که حکومت آن از بالامان بالا بگذارانند این هیجانات را شدت بخشیده‌است. این قوانین جنرال قوا نینی است که بقا بای دمو کراتسی پر زور آنی را در المان محو خوا هد کرد و رژیم المان را بطرف دکتا توری فاشیستی خوا هد برد. مصونیت عقیده دا زنده که باید گفت دکتا توری فاشیستی مواجه خوا هد شد.

برسلین : د ر المان غربی باز ها تظا هرات عظیمی علیه قوا نین اضطرا ری اد امه یافته است. محصلین لوایحی را حمل میکرد ند که بروی آن نوشته شده بود : « نه ! » و نه ! » فرا نسه شده است. سنده یکاری کارگران و محصلین اعلان پیوستن به ما رزات خود ادامه خواهند داد. منشی حزب کمونست فرانسه نیروب های چپ رابه اتحاد دعوت کرد، او گفت که بیانیه دو گول در حقیقت اعلان جنگ علیه همه نیرو ها ست. مزدمبکه درراه‌راه، استقلال وسعادت مردم خود مبارزه میکنند.

اعتصاب کارگران باشهامت مطبعه معارف

یا مؤسسه انتشارات فرانکلن در افغانستان

خبریال ما اطلاع میدهد که ساعت۸ قبل از ظهر روز ۸ جوزا کارگران دلیرو زحمت کش مطبعه فرانکلن، که یکی از وسایل استعمار فرهنگی امپریالیزم در کشور می باشد، برای تا مین مطالبات صنفی و قانونی خویش دست به اعتصاب زدند .

چو استهای کار گران عبارت است از : از دیاد معاش کارگران متناسب با مهلات ، مفت دید ، تعطیل روز جمعه ، تاسیس بیمهٔ صحی ، تهیه وسایل انتقال کارگران از فاصله یکه به خانه هایشان و از آنجا بحل رو ز کار ، انتقال پول ذخیره کار گران به بانك واعادهٔ ماهانه آن حین سکدوشی آنان ازکار ، تنسیه کو پون مواد ارزانرا فی مطابق به استحقا قماموزین و لیاس زمستانی کار ، قبول تعطیل بعداز ظهر روز های پنجشنبه ، تادیه معاش بیشکی به کار گرانی که احتیاج ضرورت دارند ، بدرفتن ۱۵ فقانی عوض ما لوکات کار گران شکار ، و بهبود وضع غذای روزانه . قابل شدن د ر تمام ماه های با قیمانده سال ، تادیه مزد اضافه کاری به بیمانهٔ دو چند مزد عادی

تلخیص وترجمه : میراکبر خیبر

وضع کنونی جنبش آزادیبخش ملی

-۲-

ولی درشرایط امپریالزم تنهاتحصیل استقلال سیاسی نمیتواند مستعمرات ونیمه مستعمرات‌سابق را از مواضع ملتهای استثمار شونده نجات دهد. بلکه بحیث‌پایگاه اقتصادی امپریالزم باقی می مانند . همین سیستم بین‌المللی کنترول اقتصادی‌واستثمار است که‌در برابر جنبش های آزادیبخش ملی وظیفه مبارزه درراه آزادی اقتصادی را« قرار مید هد». بوجود آمدن سیستم سو سیالیستی که‌به تسلط کامل امپر یالیسها بر اقتصاد جهانی خاتمه داد ، اجرای این وظیفه را ممکن ومیسر ساخت .

بدین مناسبت روشن است که مبارزه درراه آزادی اقتصادی‌خصلت عمیقا ضد امپر یالیستی دارد .

علاوه بران ، انتخاب راه رشد ، در کشور های مستعمره ووابسته سابق‌در جریان جنبش آزادیبخش‌ملی‌تعیین میگردد وبه جنبش محتوی اجتماعی تازه‌ای می بخشد. مساله انتخاب راه‌رشددر برابر جنبش های سابق قرار نداشت وهم نمیتوانست داشته باشد چه جنبش های‌پیشین محض راه وابرای رشد سرمایه‌داری میکشود .

امروز امکانات دوراه رشد : سو سیالیستی وسر مایه داری وجود دارد . طبعی است که بورژ وازی ونیرو های مر بو ط بـه آن به حمایه امپر یا لزم سعی می‌ورزند تا کشور های نو بنیاد را براه سرمایه داری سوق دهند . ولی، قاعدتا بورژ وازی محلی دراین کشور ها ضعیف است وخود را در وضع بعرانب پیچیده‌ترونامساعد تر ازآن می یابد که بورژوازی کشور های عمده سرمایه داری در آغاز انکشاف خود به آن مواجه بود . بورژ وازی دران کشور ها زمانی بروی صحنه تاریخ ظاهر شد که سرمایه داری‌جای فیودالیزم رامی - گرفت ودر مرحله مترقی تراز رشد اجتماعی قرار داشت . رشدمناسبات سرمایه داری‌در بسیاری‌از کشور - ها(به شمول اضلاع متحده امریکا که‌در سابق مستعمره بود) تهدابی را برای‌ترقی‌سریع‌اقتصادی‌وتخنیکی آنها بوجودآورد وآنها رابه دولتهای پیشرفته ومقتدری مبدل کرد .

امالمروز وضع‌کاملا متفاوت است. در شرایط کنونی‌سر مایه داری‌روبه زوال است‌ونمیتواند اساسی رابرای تجدید حیات ملی مستعمرات ونیمه مستعمرات سابق بوجود آورد . در نتیجه ، نیاز مندی عینی آزادی اقتصادی وازبین بردن زمینه های استقرار مجدد تسلط استعماری امپر یالزم ، خصوصیت جنبش های آزادیبخش ملی را تعیین می‌نماید . رشد بیشتر این جنبش ها، شرایط قاطع قبلی را برای ترقی در جهت سو سیالزم بوجود می آورد .

تازه ترین‌تجربه تاریخی درعده‌یی از کشور های به آزادی رسیده ثابت می‌نماید که‌هرگاه‌این کشورها خوا سته باشند از قید وابستگی به انحصارات امپر یالیستی رهایی یابند وبه عقب ماندگی خود خاتمه دهند، به پیشرفت سریع وپایداری ضرورت مطلق دارند، که سرمایه - داری موفق نیست چنین پیشرفتی را برای آنها بار آورد .

علاوه بران ، سرمایه داری‌نمیتواند امکاناتی را برای کشور های روبه انکشاف بوجود آورد که بواسطه‌آن فاصله وسیعی را که بین اقتصادیات آنها وقدرت های عمده امپر یالیستی وجود دارد ، تااندازه قابل توجهی کم سازد .

قرار تخمینات علمای اقتصاد اگر بعضی از مستعمرات سابق ، بـه سرعت فعلی به پیشرفت خود ادامه دهند ، منتها در اخیر قرن ۲۱ بـه مرحله فعلی‌رشد‌کشورهای سرمایه- داری اروپا خواهند رسید .

این وضع در درجه اول وابسته ومر بوط به تاثیرات زیان آورتقسیم سرمایه داری بین‌المللی‌کار واستثمار قسمت اعظم نفوس جهان از طرف شرکت های انحصاری امپریالیستی میباشد ، که‌تلاش‌دارند تسلط خودرا بالای کشور های مستعمره سابق‌که آزادی خودرابدست‌آورده اندولی‌جزء سیستم سر مایه‌داری می باشندحفظ نمایند . هـکذا مقاومت مستقیم انحصارات خارجی در برابر بوجود آمدن سر مایه ملی ، امکانات رشد سر مایه داری را در این کشورها محدود می نماید ، وهمین مقاومت آنها ست که دُهی درجهت مخالف ستر اتیژی جهانی مپر یالزم ، کـه هدف آن استقرار نظام سرمایه‌داری در کشورهای مستعمره‌ونیمه‌مستعمره سابق میباشد ، عمل می نماید .

طرقی راکه کشور های سرمایه‌داری اروپا واضلاع متحده امریکا ازقبیل جنگ ها، غرامات جنگی ، استثمار استعماری غرض تسریع رشدصنعتی خود بکار بردند بروی کشور های‌نو باستقلال رسیده مسدودداست.درعین زمان ناجوریهای‌ذاتی نظام سرمایه- داری در شرایط این کشور ها، کـه اقتصادیات آنهارا بی موازنـگی- استعماری ، بقا یای فیودالی وماقبل فیودالی ودیگر باز مانده های تاریخی دروضع بدی قرار داده اسلت، وخیم‌تر میگردد .

بورژ وازی محلی مستعمرات‌ونیمه مستعمرات سابق قاعدتاً ضعیف‌است ومجبور می شود تا در برابر جریان نیرومند احساسات ضد سرمایه‌داری خلقها که محصول تجارب تلخ‌دوران تسلط استعمار و نمونه کشور های سو سیالیستی میبا شد ، حرکت نماید. محافل بانفوذبورژوازی محلی کـه به ملا کا ن بزرگـ و انحصارات خارجی وابستگی دارند حاضرندکه عجالتاً نقش‌شریک کوچك آن‌رابازی کنند. این‌حالت ، رشد سرمایه داری را بـالخصوص برای توده ها بسیاردردناك میسازد.

بالا خره آنچه اهمیت بـزرگـ وشاید قاطع دارد ، این حقیقت است که سرمایه داری بحیث منبـع درد وآلام برای توده های مردم ووسیله ثروتمند شدن یکعده محدودداز طریق استثمار و تحت ستم قرار دارد اکثر یت عظیم خلقها ، نتوانسته ونمیتواند دور نمای الهام بخشی را برای توده ها در کشور های نوبه استقلال‌رسیده ارائه‌کندوانرژی‌آنهارا در راه اعمار مجددملی بسیج‌نماید .

عدم موفقیت مشی سرمایه داری درحل پرابلم های‌آزادی وتجدیدحیات ملی ، باعث بـوجود آمدن بحرانات عمیقی دررژیم های بورژوائی‌عده ئی ازکشور های نوبنیاد گردیده است، که درنتیجه آن قدرت سیاسی زمانی بدست نیروهای دموکراسی انقلابی می‌افتد و گاهی دکتاتور های نظامی ضد ملی زمام امور را در دست میگیرند .

اگر وضع‌این‌کشورها رادرروشنی وضع بین‌المللی‌ومجموع‌روابط معاصر سرمایه داری‌وتمام خصوصیات‌دوران جدید مورد مطالعه قرار دهیم، آنگاه واضحتر میگردد کـه سرمایه داری دیگر نمیتوانـد اسا سی را برای پیشرفت کشور های مستعمره ونیمه مستعمره سابق بـو جو د آورد. سرمایه داری بمثابه‌یك سیستم،دیگر کهنه شده است. این سیستم حتی

در (ص ۳)

ا. عمر فیض - کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را بزمین نگذاشته اند

یوه شیبه له دوستانو سره

گران دوست ایوب زاده کار گر!

ستا سو لـه‌کـار گری نـو دو احسا سا تو ډك شعرڅو لوستل شو. ستاسو درك د ښار او ... دکار گرانو او زیار ایستو نکو د هستو ونکی رول په باره کی ،ډیر عالی دی .

گرا نه دو ستـه !

موږ پدې حقیقت کی ستا سو سره بشپړه ملګرتیا لرو چه د افغانستان دنوی ژوند ، نوی هستی او نوی کلتور د بنسټ ډیره په ستا سو دښار او کلیو دکارگرانو په لاس کیښودل شی . دادی دلته ستا سـو د شعـر دوه بیتو نه اقتباس کیږی :

را خبروم دا اسکر یلی زړو نه
په اور کباب سوی څو خلی زړونه
ستا سو دمې لمرموبل څوك ختی
ناخبر ناست یاست ډیر ترتلی‌زړونه

ښاغلی محترم مولاداد !

شما ضمن ابراز تشکر وامتنان از نشر خبر مرگ برا در تان کارگر شهید محمد عارف در شماره هفتم جریدۀ پرچم و آزادی مؤفقیت این نشر یـه در دفاع از حقوق طبقات محروم، بخصوص کار گران کشور می نو یسید :

«قانون کار وکارگر که از سنه (۱۳۳۰) تا حال موردتطبیق‌قرار دارد ابدا شرایط مو جودۀ کـار گران افغانستان تطابق وهماهنگی ندارد. از آنجا ئیکه قانون کار وکار گر باید از حیات و آرزو های کار گران زحمت کش افغانستان در مقابل کار فرما دفاع وپیشتبانی کـنـد نباید به شکلی باشد که بـه مفاد کار فر ما و به مفاد استثمار گران کـه از سالهای متمادی حقوق این کتلۀ ضعیف را خورده و برده اند تمام شود، چنا نچه مـاده (۳۸) قانون کار وکار گر می نو یسد : «کار فرما مکلف است که به وارث شرعی عمله جاتیکه در کار ویا د ر اثنای کار هـلاك میگر دنـد معادل دو سال آخرین حق‌الز حمه متو فی را یکدم تادیه نماید مشروط بر اینکه حد اکثر ایـن مبلغ از (۱۲۰۰۰) افغانی تجاوز ننموده و حد اقل آن از مبلغ (۴۰۰۰) افغانی کم نباشد» وقتی‌عمیقاً‌درین ماده‌غور‌کنیم ازتعداد عایله و تعداد سا لها ئیکه یك کارگر در یك تصدی و یا مو سسه زحمت کشیده تذ کری ندا ده و نیز نگفته است در اثر تغییر اوضاع اقتصادی بـه‌وارثین یك کار گر یکه تلف شده چه حقوقی باید داده شود . و تلقی به آن می شود که فامیل یك کارگر تلف شده که پنج طفل و یك خانم دارد ، به وضع رقت باری زندگی نموده واطفالش از دنیـای تعلیم و تربیه بی بهره مانده و بار دوش جامعه شود . .

خوا هشی میکنیم تا هر چه زودتر قانون جدیدی کـه د ر آن تمام آر زو هـای مشروع کـار گـران ستمند یدۀ افغانستان در نظر گرفته شده بـاشد ، تـد وین و بعـد از گذ شتا ندن مراحل قانونی درمرحلۀ تطبیق و اجراء قرار بگیرد .»

مادر حالیکه یکبار دیگر تاثرات عمیق خود را نسبت به این حادثۀ دردناك بشما و تمام کار گران کشور اظهار میکنیم ، انتقاد و تقاضای شما را در زمینه تجد ید نظربرقانون کار وکار گر در افغانستان ، مطابق به روحیه عصر و ایجابات شرایط نوین زندگی جداً تائید مینمائیم و و درین راه مبارزات پیگیری خودرا دنبال می کنیم .

دو ست محترم س. امان کا ر گر!

نامۀ شما منعکس کننده و ضع رقت بار کار گران‌بود. درست‌است که‌شرایط کار ز حمتکشان افغان خیلی نامساعت است . مزد انـدك بآنان پردا خته میشود. آینده‌مصوون ندارند، کار تو انفر سا وا ستثمار شدید آنا نرا رنج فراوان مید هد.

دو ست عـزیز! تنهـا با تصویر زند گانی نا بسا مان کار گران‌کاری ساخته نمی شود. بآ ید شما وسائر عناصر آگاه طبقۀ کار گرافغانستان رسالت عظیم خودرا تشخیص‌نمائید ودر راه دیمو کرا سی ، تـامین استقلال ملـی و تر قی اجتما عـی و صلح پایدار دو شا دوش سائر نیرو های ملی دموکـراتیك وترقیخواه گامهای آزادی بخشی بـر دارید و پـر چم مبارزه را تـاپیرو زی نهایی برافـرا شته نگهدا رید .

دو ست گرا می عزیز مختار !

مطالبات‌قانو نی تـان دربارۀ علت خا موش بودن جریدۀ «نغمۀ آزادی»بدون کم‌وکاست نشر میشد، چون عین مطالب در جریدۀ دیگری انتشار یافته‌بود، بنا بر آن از نشر مکرر آن خود داری گردیـد. و لی پر چم از هر نغمه ایکه بخاطرآزادی ودمو کرا سی بلند گردد به گرمی استقبال می کـند و آ نرا مـوافق بامصالح ملی خود میداند.

دوست گرامی ا.ت . ازریاست سپورت معارف

مضمون شما تحت عنوان «فقر وگر سنگی» مطالعه گردید .

دوست عـزیـز ایـن حـرف شما کاملا صحیح است که در جوامـع طبقاتی زند گی‌برروی‌مشت‌معدودی از ثروتمندان می خنـد د وا شك بینوایان قطره قطره می ریـزد تارو زی سیلابها را بیا کند. ولی چارۀ این درد های زند گی‌راشماخود قسماً تشخیص کـرده ایـد که اینك چند سطر آنرا بدون کم‌وکاست اقتباس میکنم : «زندگی‌صحنه‌مبارزه است ونخستین عامل بزرگ ومهمی که شا لوده حیات افراد وجمعیت های بشری را مستحکم میدا رد، همانا همت عالی در راه مبار زه است،کار کنان پر چم امیدوا رندکه در راه تحقق آرمانهای ملی‌خود مبارزه و تلاش پیگیر نمائید .

دو ست جوان ما سید عثمان مطیعی !

پارچۀادبی شما تـحت عنوان «بهار از هـر نگاه » با علاقمندی مطالعه گردیـد . بهاریرا که شما تصویر کرده اید بابهار شاعران ظاهر پر ست کـو ته انـد یش وخیالباف خـیلـی متفاوت بـوده وبواقعیتهای سر سخت زند گانی رقت‌بار مردم‌ما نزدیکتر است.بیاد باید آورد گه‌نجات خلقها ازین وضع با تصویر چهرۀ عبوس‌زند گی وداد وبیداد ها امکان پذیر بوده نمی‌تواند باید در پدیده های ادبی‌و فر هنگی راه نجات ورهایی رانیز بخوانند‌ه نشان د هید .

چون نامه ها و مطالب دوستان فراوان‌است بنا بر آن صرف‌بانشر یك پاراگراف از ین نو شته شما اکتفا میکنیم.

«بیائید بهار رااز چشم د یگران ببینیم، آیا بهار با همه زیبایی خود می‌توا ند رنجهای بیکران خلقهای ستمکش را دور کنـد . دهقان دل‌زمین را میشگافد، قشرهای‌زیرین ولی نیرو مند را بالا مـی آ و رد ، تخم می پا شدو جان می کند برای آنکه مالك (شکم گنده) ثمر آنرا بخورد... آیابا ز هم بهار زیبا میتواند رنج‌تیره‌بختیان‌کشورمارادور کند؟»

شرعی جو زجانی

تانگ آتکنده کوره میز !

کوك یوزینی باسماق اوچو ن ، آغیر قرابولوتلر
گولد یره شیب هیقرشیب چاپه‌دی ..
قراتو من ..
آقه باقه گیز ماق او چون ..
اوزیگه یول تاپه دی .

* * *

یل تللگن یولدوزلر نینگ یرگه‌تیکیلگن کو زی ..
برآزتیب قاله دی .
قرابولو تلر سیو نیب ..
قوانچلیك نقاره سین چاله دی .

* * *

کیچه ..
قرانغو کیچه ..
تار تیلگن آی نینگ یو زیگه‌چین قرا پرده لر ،
ساور رشمال نینگ قولی قرانغوبیك خر ما نین ،
نورگه قر شی ظلمتلر ..
او نی یوقاتیش قصد یده شدتبلن تلاشور .
مگر بو ممکن می ؟
یو ق !

* * *

هرقنچه هم قوفقیلله سه قوفقیللسین بای اوغلیلر !
هرقنچه هم او چسه او چسین‌هریاقه کور شو پلك لر !
تانگ آتکو نچه گولد یره سین‌چاپسین قرابولوتلر !
تانگ آتکنده کوره میز !
هلی توخته ! یارو قلیك نینگ‌یارقین نیزه سی تیشسین ..
قرانغو لیك کو کسینی !
هلی توخته ! نور لیك قو یا ش(۱) آسمان ساری کوتر سین ..
اوز پارلاق (۲) بیراغی نی !
کوتاریلگن ساری‌بویارقین‌بیراغ .
یریوزیگه ساچگی قوتلو غ (۳)نورینی ،
اوینگ نو غر یسیده چیدیا لمسد ن
نابود بو لگی بردن قرانغولیکلر.
اونده طنطنه بیلن :
بروکو کده دور سورگی ..
فقط یا رو قلیك ...فقط نور !

(۱) گونش، آفتاب (۲) یار قین،یاقتی ، در خشان . (۳) فیض‌بخش.

گو ستا فو چیکوا

جولیوس فوچیک

ترجمه از: م «بری»

طوری سخت کو بیده شده بود که‌حتی درهنگام نشستن درد میکشید. نگا هم را بسوی دیگری بـردم تـا عواطفم را مخفی سازم . چشمانم را که رمز نگر ستنی را برای جستجوی احتمالی دیگران فرا گر فته بـود گشتا ندم .

آشنای‌دیگری... برادرزن‌جلینك... پاولیك هژده ساله چشمان ما باهم دیگر در آمیخت . . . «ما همد یگر خود را نمی شنا سیم» .

- پسر کم . . . ! تو چرا اینجا ئی ؟ . . .

اوبا جلینك زند گی میکرد ، و هنگا می که من به دیدار جو لیوس می‌رفتم .اورا می‌دیدم ..همیشه مانند پر نده های سبکبال می جست و به تندی می پرید .

در واژه بـار دیگـر بـاز شد ، محافظین رفقای دیگر ما را رهنمائی میکرد . ریوا فر دو وا وشو هرش . آنها آهسته گـام می بـر داشتند و ما را به چوکی کنار من انداختند و احتیاط بجو کی نشت . موهای سر خود را شبیه مو های من بسته بود . بایك نفس زمزمه کر دیم «ما همد یگر خود را نمی شنا سیم» ولی هنگامیکه گشتا پو اورا به محل دیگری کشا نـد . ریوا به سختی و نا آرامی بجایش نشست . در واژه بار ها مانند تلاطم باد به تندی باز میشد تاشاید کسی را بداخل اطاق بکشا نند .

خون از لا بلای لباس زندانیان بیرون می‌ریخت وچوکی ها ، سطح زمین ودیوار ها را لکه دارمیساخت.

مردی را با لباس کار گری بـه داخل آوردند و وادارش کـردند که در بـرابـر قفس زرد کـتا بـها بایستد ، او اجازه نداشت بنشیند وبا جلوی باز و بسته شدن بی‌اختیار دهن خودراکه مانند یك پرنده‌زخمی می نمود بگیرد .

شاید دهنش بعـد از شکنجه خشک شده بود . اجازه نداشت آب بخوا هـد ،و جبراً باید تحمل میکرد . پا هایش توان بردا شتن بد نش را از دست داده بود . آنها اورا به شدت تکان میدادند، وبدو ن‌آنکه کسی کمکش کند به زمین می افتاد .

یکی از محافظین (که بعـد هـا فهمیدم نـامش پوجك بود) بطرف دستشوی رفت و جکی را پر از آب کرده بازگشت وبه صورت‌اوپاشید. او را به شدت دشنام داده و با لکد می کو بید ند ، حتی یك جرعه آب هم برایش ندادند این حادثه در آنشب بار ها تکرار شد ، بیشتر از آنکه من بتوانم شمار آنرا در حافظ ام بسپارم .

نام آن مرد بار تون و رفیـ... ناحیه کار‌جونکر بود . ... در آن لحظات نتوا نست ... بشناسیم برای اینکه قبل ازدستگیری‌ام او را ند یده بودم .

نیروی بار تون در اثر شکنجه ها و احساس مسؤولیتش از نـاحیـه دستگیر ی خطر نـاك دستـه جمعی رفقا به کلی به تحلیل رفته بود .

ما توسط واکلف دوارك خائن که بارتون مسؤول حزبی اش بود به گیر رفته بودیم . بعد هـا مـن این دوارك کثیف را در بین «چهار صد» زندانی دیدم . او جـدا از سا یـر زندانیان مانندعلف‌هرزه‌ئی‌استاده‌بود قاعده اش را مانند مسخره هـای معمو لی می جنبا ند . در چهره اش بعد از باز گشت از باز پرسی هیچ نشانۀ از تحصل و شـهـا مت وجود ندا شت .

... رضائیت در چشمانش برق ... دهن خائن خود را بار ها ... خشك میکرد . اویك آبخوری بیری هم داشت . گشتا پوها با احتیاط با او معامله میکر دند .آنها با اوهیچ کاری ندا شتند حتی برای آنکه تیز تر برود او را مانند دیگران تکان نمی دادند . لفظ نفرت آنگیز «خائن»، در پیشانی خزنده ماننده‌ش می در خشید . به روی هیچکدام ما نگاه کرده نمیتوا نست . بدون شك وجدان گنه‌کار ش دیگر او را از کار باز داشته بود .

اگر او می توا نست اند یشه مارا بخوا ند . . .

مرد رزیل و پست افسوس سخت افسوس که ترا خیلی دیرشناختیم.

مـد تها پس از رهائی از زندان فهمیدم که او ماهانه ۱۵۰۰ تـا ۲۰۰۰ کرون به‌اضافه‌انعامهائیکه از ناحیه «اسناد مخصوص» برای کار زشتش در یافت می داشت از المانها مزد میگر فت .

چند روز بعد که بار تون از نتیجه خطر ناك اعتماد و مسؤولیت خـود نسبت به دوارك خائن واقف شـد خـود را بـرای مـرگ از پنجره «چهار صد» بائین اندا خت .

- من برچوکی‌نشسته بودم.درمغزم اند یشه های گو نا گون منفجر میشد. چرا جلینك اینجا ست ؟ چرا فریدو ویس ؟ چه ارطباطی بین آنها و من در میان است . که نا گهان در واژه مجدداً با شدت باز شد .

- جولیوس !

گشتا پوی قد بلند با چهره بریده و گو نه های کود رفته کـه بیشتر شبیه‌استخوانهای‌صورت‌یك‌جمجمه‌بود جولیوس را باچماق رهنمائی‌میکرد.

پاهای جولیوس برهنه بـود و خونها یش بر سطح‌اتاق می ریخت. خونیکه از بینی و دهنش جاری بود بروی صورتش نقش مـی بست ، گشتاپو اورا جدا از دیگران به کنج مقابل دیوار اتاق کشا ند .

(باقیدارد)

ا. عمر فیض - کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را بزمین نگذاشته اند

از (ص۲)

وضع کنونی جنبش آزادیبخش....

درکشور های امپریا لستی باتمام تاریخ طولانی اش دارای آینده ئی نمیباشد، چه رسد بـه کشور های مستعمره ونیمه مستعمره سابق که درآن هیچ گذشته‌ئی ندارد .

از آن رو جنبش آزادیبخش ملی درجریان حرکت بسوی هدف خـود - آزادی کامل خلقها از همه اشکال وانواع ستم - بطور نا‌گـزیر وارد مر حله حـل پرابلم هـای اجتماعی میگـردد و در جهت انقلا بـی رشد می‌نماید کـه هدف آن تعمیر مجدد جامعه برمشی سوسیالستی میباشد.

پروگرام دموکراتیك عمومی ایـن جنبش درجریان عمل از حدودچوکات سرمایه داری، که برای جنبش خلقی ضد امپریالستی وهم برای انکشاف این جنبش بسیار تنگی می‌کند خارج میگردد ، واین پیشگوئی به حقیقت می‌پیوندد که: «درمبارزات فیصله‌کن آینده انقلاب جهانی، جنبش اکثریت نفوس جهان که دربدو امر به آزادی ملی معطوف بود، بیك جنبش ضد سرمایه داری وضد امپریالستی‌مبدل خواهد شد» .

این‌حقیقت‌که ساختمان سوسیالزم شعار کلیه احزاب ونیرو های بانفوذ در کشور های نوبـه آزادی رسیده گردیده است ، خود انعکاس دهندۀ «تعمیق وجهت گیری مجدد» جنبش آزادی بخش‌ملی‌میباشد. حتی‌بسیاری از نمایندگان بورژ وازی ملی بایـن نتیجه رسیده اندکه راه سرمایه‌داری «کلاسیك» راکه جهان غرب پیموده است، برای این کشورها راه‌مناسب وشایسته‌ئی‌نیست، ازآنرو‌ازاستقرار وتقویه سکتور دولتی ، پلان گذاری اقتصادی ، کوپراتیف های زراعتی وغیره طرفداری می‌نمایند: آنهابرای پوشاندن مقصد اصلی خودکه‌عبارت است از پیشبرد مشی مستقل رشد سرمایه داری و «تخفیف» بعضی از «ز شتی های» این نظام اصطلاحات سوسیالستی را بکار میبرند. ولی بـا وجود ایـن حقیقت که مفاهیم گوناگون سوسیالزم در کشور های نوبنیاد، غالباً یا عوام فریبی محض مرتجعین است یاپرده ایست بر روی تلاشهاییکه هدف آن تأمین پیروزی مناسبات سرمایه‌داری دراین‌کشورها میباشد، اما بهیچصورت از اهمیت عـظیم پـخش شدن شعارهای سوسیالستی د ر مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق نمی‌کاهد .

این حقیقت که بسیاری ازحکومتها درکشور های نـو به آزادی رسیده نمیتوانند موقف جانبداری از راه سرمایه داری را اتخاذ کنند و آنرا ناممکن می‌پندارند، نشاندهنده عمق کامل احساسات ضد سرمایه داری توده های مردم دراین کشور هاست و همچنان نشا نۀ شکست عمده ایدیولوژیکی وسیاسی سرمایه داری درمناطقی میباشد که سرمایه داری امید داشت وهنوز هم دارد که آنرا به حیث نیروی ذخیره در مبارزه‌علیه سوسیالزم استعمال نماید .

یکی از خصوصیات برجسته‌ترقی اجتماعی د ر مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق این است که ترقی اجتماعی در آنجاها نتیجه و حاصل جنبش آزاد یبخش ملی میباشد . درشرایط کنونی امکانات آن وجود دارد که انقلاب آزابخش ملی «مانند الجزایر» درجهت‌جنبش سوسیالستی رشد وانکشاف‌نماید،وپروسه انقلابی در مرحله معینی ازانکشاف خـود هردو جنبش را دریك جریان واحد انقلابی باهم مزج نماید .

این خصوصیت جنبش آزادیبخش ملی درتوسعه‌مبنای اجتماعی‌وسیاسی آن کمك می‌نماید وامکان آنرا بوجود می‌آورد که توده‌های خورده‌بورژوائی وطبقـات متو سط از مجاری مبارزه آزادیبخش ملی به نهضت‌جذب‌گردند وشرایط مساعدی برای جمع نمودن همه نیروهای سالم ملت دریك جبهه واحد ، در زیر پرچم ترقی اجتماعی بوجود آید، وبه نسبت ضعف‌نسبی بورژوازی محلی به نیروی مقاومت عناصر مـرتجع خاتمـه داده شود. اعتبار بزرگ‌سوسیالزم وپیروزیهای عظیم آن ... این جریان را تسریع می کند .

بالاخره، باید خاطر نشان گرددکه جنبش های آزادیبخش ملی معاصر زمانی به اهداف خود نایل میگردند وبه پیروزی نهائی میرسندکه‌خصلت خلقی داشته باشند. این یگانه تلقی طبیعی ازگرایش معاصر این‌جنبش‌ها از مقاصد اجتماعی ضد امپریالستی واز نیروهای محرکه آن میباشد . جنبش های آزادیبخش ملی‌جنبش هایست به منفعت عامه خلق .

جنبش های آزادیبخش ملی‌معاصر بنا بر خصوصیت ضد امپریالستی ومحتوی جدید اجتماعی آن، وبنا بر نقش بزرگیکه خلقها در آن بـازی می‌نمایند ، زنجیر امپر یالزم را در حساس ترین قسمت آن جداً تضعیف‌می‌نماید تادر وقت‌به‌سرانجام رساندن جنبش کاملا ازهم بگسلد .

خصوصیات جنبش آزادی بخش امروزی نشان مید هد که چرا این جنبش‌ها باحصول استقلال سیاسی پایان نمی‌یابند، بلکه به کمك این استقلال وارد مرحله جدیدی‌میگردند. وظیفه عمده جنبش درمرحله جدید عبارت است، ازحصول استقلال‌کامل از اسارت امپریالزم، یعنی بدست آوردن استقلال اقتصادی و بوجود آوردن اقتصادی واز طریق آن تحکیم حاکمیت ملی. نیروهای وطن پرست جنبش ازتجربه خود می‌آموزند کـه نیل‌به این هدف تنها از راه تغییرات عمومی دموکراتیك ، از بین بـردن ریشه های اقتصادی و بقایای نفوذ سیاسی امپریالزم، انکشاف صنایع ملی، حل مساله ارضی، دموکراسی کردن حیات اجتماعی، ارتقای سطح زندگی، پیروی ازیك سیاست‌خارجی فعال ضد امپریالستی امکان پذیر است .

هسته جنبش را در مرحله جدید رشد آن، ترقی اجتماعی تشکیل میدهد

«جنبش آزادیبخش ملی باحصول استقلال سیا سی پایان نمی یـابد. هرگاه این‌جنبش تغییرات‌بنیادی‌ای‌را در ساحات اجتماعی و اقتصادی بار نیاورد وپرابلم های مبرم تجدید حیات ملی را حل نکند این استقلال نااستوار وموهوم خواهد بود.»

البته، مبارزه در راه استقلال اقتصادی یك مبارزه خالص اقتصادی نمیباشد. عرصۀ تصادم نیروهای‌ملی با امپر یا لزم و ارتجاع داخلی دردولتهای جوان بسیار وسیع‌است ساحات و جهات مختلف حیات اجتماعی‌را احتوامی‌نماید،که حادترین شکل آن در عرصه سیاسی صورت میگیرد .

و ضع خاص کشور های مختلف مستعمر ه و نیـمـه مستعمرۀ سابـق بـیـشتر د ر مرحله جد ید جنبش آزادیبخش ملی تبارز میکند، اشکال وشیوه هایراکه برای حل پرابلم های این مرحله بکار برده می شود تعیین می‌نماید . اضمحلال سیستم استعماری بـه افسانـه امپریالستی متحدالشکل بودن جهان پهناور استعمار خاتمه داد. اختلاف زیاد درشرایط اجتماعـی واقتصادی، سنن تاریخی وملی‌ودیگر خصوصیات این کشورها آشکار گردیده است .

خلاقیت مبارزه توده هاکه فرصت نشاندادن ابتکار تاریخی را بدست آورده اند باعث بـوجود آمدن تعدد اشکال خاص انکشاف اجتماعی درمبارزه علیه استعمار ، فیودالیزم وسرمایه داری میگردد .

(باقیداد)

(از ص اول)

طبقات ومبارزۀ طبقاتی

مبارزه سیاسی طبقه کارگر تمام ساحات حیات اجتماعی راکه به‌دیگر طبقات‌وقشر های جامعه بورژوازی ودولت بورژوازی و فعالیت های آن ارتباط میگیر د احتوامینما ید. «شعور طبقه کارگر واقعاً شعو ر سیاسی بوده نمیتواند مگر اینکه کارگران چنان پرورش یابند کـه بدون استثنا در برابر تمام قضا یا اعم از استبداد ، ستم ، تشددوسوء استفاده ها وبد رفتاری ها احساس مسوولیت کنند واز خود عکس‌العمل نشان دهند ، بدون در نظر گرفتن اینکه کدام طبقه ئی را متأثرمیسازد» این گفته متضمن یك ارتباط نز دیك در میان دفاع از منافع طبقه کارگر ومبارزه بـرای حقوق وآزا دیهـای وسیع دمو کراتیك ،مبارزه علیـه سیاست خارجی ضد ملی‌بورژ وازی، ودر بسیاری کشور ها مبارزه برای استقلال ملی ، دمو کراسی ، تر قی اجتماعی و غیره است .

تمام این رهنمود های مر بوط بـه فعالیت سیاسی طبقه کارگر، بالذات وبخصوص در شرایط معاصر بسیار پراهمیت است . ولی این ادعا کـه مطالب فـوق تمام وظایف مبار زه سیاسی را در بر میگیرد ،نا درست خوا هد بود . «کافی نیست اظها ر گردد که مبارزه طبقاتی وقتی ثبات وتحقق میابد و رشد میکند کـه صرف محدود به سا حه سیا ست باشد ... مبارزه طبقاتی هنگامی بصورت کاملا رشد یافته به سویه ملی تائید میگردد که تنها محدو د به ساحه سیاست نمانده ، بلکه بـه مرکزوهسته سیاست‌یعنی‌به‌سیستم قدرت حکومت پیش رود » .

در اینجاست که تمایز آشکار در میان عناصر تر قیخواه و لیبرالهای معمولی بوجود میاید . لیبر الهای (آز ادیخواهان)معمـولی مبارز ات طبقاتی را تا ساحه سیاست تأ ئید میکنند ، ولی‌مشروط براینکه‌مشمول مبارزه کارگران ، بمقصد سرنگونی نظام سرمایه داری (کا پیتا لیز م) ونصرف قدرت حکومتی نباشد .

از آنجه که اظهار گردید واضح میشود که تیو ری پیشرو و در حالیکه علت اصلی تمام مبارزات میان‌طبقات را درمنافع مادی واقتصادی مشاهده میکند، در عین زمان تفوق و بر تری امور سیاسی را بر امور اقتصا دی تا ئید می نماید و شکل سیاسی مبارزه طبقه کار گر را بمثا بـه عالیتر ین شکل مبارزه برمیگزیند وتمام مبارزه طبقاتی را بحیث مبارزه سیاسی تلقی می نماید . اشکال مبارزه اقتصادی واید یا لو ژیکی بالذات هد ف نیست ، بلکه‌باوصف اهمیت آنها تا بع اهداف ووظایف عالیتر سیاسی کارگران میبا شد . تنها مبارزه سیاسی طبقه کار گر میتواند احتیاج اساسی اقتصا دی طبقه خود را تامین کند واستثمار انسان از انسان را محو سازد .

طبقه کارگربرای نیل بااین‌وظایف واهداف ، مطابق به شرایط واز طرق گوناگون به مبارزه سیاسی‌میپردازد وازوسایل وراههـا واشکال مختلف از قبیل مبارزه مسالمت آمیز کـه شامل اعتصابات سیاسی،تظاهرات، میتنگ ومبارزات انتخاباتی وبالاخره طبق اوضاع از شکل غیر مسالمت آمیز که نمونه معاصر ان درو ینتام جریان دارد ، استفاده می کنند . اهداف وطرق (متود)مبارزه سیاسی ایجاب میکنند ،تا اشکال عالیتر سازمانهای طبقه کارگر ،مقد م‌برهمه حزب سیاسی ز حمتکشان ایجا د گردد . طوریکه تجربه نشان میدهد چنین حزبی در تاریخ جنبش طبقه کـارگر یك پدیده طبیعی بشمار میرود . همچنین مبا رز ه سیاسی ایجاب می‌نمایدکه وحدت وهمبستگی سر تاسری طبقه کارگر وتمام‌خلق کارگر بسویه ملی و بین المللـی تا مین گردد .

از (ص اول)

هوشیاری...

حال باید دید که برای نیل باین اهداف عالی درو ضع مشخص‌موجود چه باید کرد، ووظیفۀ مبرم و فوری نیرو های صدیق ملی، دموکراتیك، وطنپرست وترقیخواه چیست ؟

بعقیدۀ ما برخورد جدی به نکات مشتر ك زیر بـن عمده تـر یـن وضروری ترین وفوری ترین وظیفه وشعار بالفعل ماست :

۱- مبارزه پیگیر درراه استقرار بسط وتوسعه حقوق وآزادیهای‌وسیع دموکراتیك افراد ، اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی،ودرقدم اول دفاع از ارزشهای د موکراتیك قانون اساسی (فصل سوم قانون اساسی) .

۲- افشاء وخنثی کردن همه‌جانبه نقشه های فتنه انگیز ارتجاع علیه جنبش آزادیبخش ملی وآماده‌ساختن مردم برای مبارزه علیه آن .

۳- استفادۀ درست و بهنگام از وسایل وشیوه های مبارزه‌مطابق به شرایط عینـی و ذهنی ، داخلی وخارجی کشور ، بخصوص مطابق به وضع مشخص موجود، بدون‌ایجاد فتنه انگیزی ، تفر قه افگنی و ماجراجوئی که بهانه برای حملۀ وحشیانه ارتجاع گردد .

ضرورت و مسؤولیت تاریخی حکم مینماید که برای تهیه وتدارك تحول بنیادی در کشور وبرای وادارساختن پیهم ارتجاع به عقب نشینی وبرای اجرای عمده ترین ، ضروری ترین وفوری ترین وظایف سه گانۀ فوق باید وحدت وتشکل کلیه نیرو های دموکراتیك خلق وسایرعناصرصدیق ترقیخواه و طنپرست که به ایجاد تحول بنیادی علاقه دارند و اتحاد (ولوموقتی هم باشد) کلیه نیروهای تحول طلبیکه آرزومند استقرار آزادیهای دموکراتیك از قبیل‌آزادی بیان، مطبوعات، تظاهرات،اجتماعات، تشکیل احزاب‌سیاسی،اتحادیه ها... وغیره که همه صورتهای شکل‌مبارزه مسالمت آمیز اند تأمین گردد.

هموطنان ، نیر و هـای ملی، دموکراتیك وترقیخواه وطنپرست ! نهضت وارد مرحلۀ حساسی‌گردیده است، هوشیاری را نباید از دست داد! ارتجاع توطئه گرتر، فتنه‌انگیزتر وزمان برای ما تنگتر وپرمسؤولیت تر میگردد !

(آمو)

د لومړی مخ پاتې

د پښتونستان ...

نن- نن زموږ اودحکومت جنگ په‌څه دی؟ پدی‌موجنگ دی‌چه داکومه‌ځمکه تاسوله دی‌پلارانو گټلی‌ده چه ددی حاصلات ستاسو کورته راشی، نوره پکښی زیاتی هیڅ خبره نه شته اود هغی دپاره موږ گورو په قسم قسم طریقو اووسیلو اوساز شونو باندی پښتون له خپل حق‌نه محرومیږی . زموږ «صدر صاحب» چه ناجوړه‌کیده دهغه مخکښی زه ډیر خوشحاله وم هغه په لرکانه کی یوتقریر کړی و اوهغه موږته دیوښ خوبی بیانولی اودایی راته وی‌چه یوښ ولی‌په کار دی چه وی؟

هغه اخبار ماسره موجود دی، زما خیال دی چه ښځه لسم تاریخ‌دمارچ و چه هغه په‌لرکانه‌کی تقریر کړی‌و اودری غټی «وجهی» یـی بیان کړی‌دی. ددی خبرو ضرورت ځکه دی چه تاسو پدی‌ملك کی گوری‌ع چه وطن خاوندان شو، د پښتنو بچی به کوچ وخوری- ولی چه پر نگی ورله تشی شومبری ور کولی .

زه نن تاسو ته وایم: زه پرون دخپل کلی نه راتلم . په لار کی می‌دپښتنو ماشومان لیدل چه په لارو کو خو کی یی سو ټی را ټو لو لی. داسوټی هغوی ټولوی او ټپیاکی ترې جوړوی او دا خر خوی او پدې طریقه هغوی ژوند تیروی. دا زموږ دشل کالـه آزادی. نه پس حیثیت دی پدې ملك کی. تا سو کوچ غو ښتل، پر نگی خو شومبرې د ر کو لی ، نن در ته خوك رټي اوبه‌هم نه‌در کوی. هغه شومبره هم نشته، ستا سو دبچو دپاره زه نن‌دې حسا ب کـتا ب تـه ولاړیم .

نن ستا سو هغه مشران دخدای په فضل دلته مو جود دی، چا چه قربانی ور کړیدی. هغه مشران‌دلته شته چا چه پکښی خپل بچی قربانی کړیدی، هغه‌مشران نن دلته زما په ستر گو باندی لگی چا چه پکښی دیرش-دیرش،څلو یښت-څلویښت کاله جبل خانې تیری کړیدی. نن هغوی دلته موجودی او داهم ډیره دخوشحالی خبرده.گیرچاپیره چه گور مه نو جوانان هم دلته موجوددی، زه پدې نن ډیر خوشحاله یم چه دا نو جوانان گوری چه دا بو ډا گان نور بو ډا گان کبری، د هغـو ی پـه لا س کـبنی کومه جنهده- سره‌جنده ده-دهغوی خپی کمزوری کیږی، او دا احتمال کیدی شی چه داجنډه ددی‌بوډاگانو سره هم راپریوزی. خودا می‌امیدی چه کوم وخته بوری یوپښتون بچی ژوندی وی نودابه داخپل مشران او ددوی دعمر داخواری هیره نکړی .

ای پښتنو! دی مشرانو تاسو له پښتنو گټلی ده، ننگ‌یی درته‌گټلی‌دی غیرت یی درته گټلی‌دی اودپلار نیکه خاوره یی درله گټلی‌ده، نودابه تاسو خنگه بوازی پریږدی‌ع . داخو کیدی نشی اودغه ځمکه یی‌چه درله‌گټلی‌دی زموږ دغه‌یوه ذریعه ده چه تاسو له تکلیف درکړو، راموولو او تاسو ته خپله خبره وکړو. اخبارموږ له خوك نه راکوی. ریډیو خوایله دپایندهخان دوی‌نیکه ده، نوددی‌کبله ذایوه‌موقع‌ده چه کله موږ اوتاسوسره مخامخ‌شولو ډیری زړی وهی، گاټی پکښی یوبل سره صفا کړو. زموږ صدر صاحب ویلی دی چه دمغربی پـاکستان دی یو یونټ وی، ولی؟

څکه چه دمغربی پاکستان ریلونه یودی، کله چه له کراچی نه ریـل را روان شی نـو پیښبور ته را رسی. خومره بنه دلیل دی (!) بله داچه زموږ بجلی یوه ده، چه دپیښور نه روانه شی ترکراچی پوری یوه بجلی ده، نوچه دبجلی سلسله مو یوه ده نوبه کاردی چه ټول مغربی پاکستان یویونټ شی، دادوهم دلیل‌دی. دریم داچه گیس زموږ چه دی، ټـول دبلوچستان نه راغلی دی اود گیس سلسله مویوه ده، نوبه‌کاردی چه‌ټول یوملك شو، یوه صوبه شو. یوملك خویوچه یوه صوبه شو- یعنی په دومره سپینو سترگوچه دبلوچستان نه‌یی گیس واخیست اوزمانه‌یی‌بجلی واخیسته، هغه زمادپاره د... جواب شو. (چك چکی). وایی‌چه د کراچی نه‌گاډی را روان شی پیښبورته راځی که دصدر صاحب نـه زه دا تپوس وکړم‌که داگاډی له بمبئی نه‌را روان شو اوپیښبورته راغی نوهم به منی اوکه داگاډی دکلکتی نه را روان او‌ډاکی ته‌لاړ نو‌بیابه‌هم‌دامنی؟(چکچکی) داڅه د ماشومانو غوندی خبری دی اوکه دبجلی خبره وی نو دپنجاب بجلی تراوسه پوری د هندوستان نه راتله نوو‌به یی منی؟ دا د ماشومانو خبری ندی اونه خلکو له ددوهکی دورکولو کوښش په‌کاردی. موږورته وایوچه موږ پدی ملك کی اوسو،موږ پدی ملك کی دپنځم ورور په حیثیت اوسو، وروروموگبی که ورورمونه‌گبی سمه خبره ده داخبره په ډاگه کوو، په میدان بی کوو (چك چکی).

(نوریا)

مطالبات قـانونـی دریوران وکلینران

انحصارات دولتی

خبریال پرچم از انحصارات دولتی اطلاع میدهد ، کـه دریوران ایـن مؤسسه در یـن اواخر یك سلسله مطالبات قانونی خود را بـریاست انحصارات ارائه کـردند . مطالبات ایشان قرار آتی است :

«۱- از سال ۱۳۴۱ معاشات ما بصورت اصولی افزوده نشده است باید طبق دستور های قانونی‌افزوده شود .

۲- درسال ۱۳۴۱ درمعاشات ما یك افزودی‌تصویب گردیدکه تاامروز تأدیه نشد وباوجودیکه (گل احمد) وکیل دریوران بمقامات (ولسی‌جرگه و مشرانو جرگه) مراجعه کرد اما در زمینه ازطرف انحصارات غـوری بعمل نیامد .

ما طبق قانون جداً آرزو داریم که این افزودیها را از زمان تصویب تاکنون اجرا کنند .

۳- اکثر کارگران جوازکه درطول سال وظائف ... وبا جدیت ... اینکه بخد... عده ... ماجداً خواستاریم که به این‌وضع ظالمانه خاتمه داده شود .

۴- معاش کلینرهای موتردرمرکز پنجصد افغانی است وباید به هفت صد افغانی یعنی معادل با معاش کلینران دراطراف شود .

۵- بـا ید برای کـلینران کـه زحمتکش ترین کار گران میباشند کوپون داده شود .

۶- هرگاه موتری‌برای رفع‌عوارض از طـرف انحصارات تـو قف داده میشود به دریور موتر تاپانزده روز بعد ازتوقف معاش پوره‌وبعدازپانزده روز تیکماه معاش‌نصفه تأدیه‌میگردد ودر صورتیکه توقف از یکماه تجاوز نماید معاش دریور طبق دستور خلاف قانون قطع میگرددولی‌باوصف آن مکلف بـدادن حاضری و ایفای خدمت میباشند. این روش دستوری، ظالمانه وخلاف قانون است و باید حذف گردد ومعاش دریوران‌تازمانیکه قانوناً مربوط انحصارات است‌اجراء گردد.»

پرچم : خواست هـای دریـوران ...وم انحصارات راکـه یك زمان ...نی درخدمت وطن بسر برده اند ...ی دانسته وجداً خواستاراست ...از دست رفتۀ این کار گران ...تلافی واعاده گردد .

(از ص اول)

وضع تجارت پشم

به حو زه به اصطلاح ازاد تجار تی با دادن سبسایدی ها میباشد ورنه چه دلیلی موجود است که دربرابر اسعار حاصله از صادرات پـشم به حوزه بار تری ۴۵ - افغانی وبه‌حوزه «آزاد» ۵۵ - افغانی فی دالر ازطرف حکومت پرداخته شود ؟ وهمچنین در برابر اسعار ما حصل صادرات پخته به حوزه «آزاد» علاوه بر ۴۵ افغانی فی دالر ۱۹- افغانی اضافی دیگر بحیث سبسایدی قایل گر دد یعنی۶۴- افغانی فی دالر،؟درحالیکه در مقابل صادرات به حوزه بار تری ۴۸- افغانی‌فی دالربرداخته میشود.

ما معتقدیم که مردم ، مؤلد یـن واقعی فریب این نوع تبلیغات را نخواهند خورد که گویا در شرایط موجود بغرض تقویه و حمایه آنهـا اقداماتی صورت میگیرد ، آنـان انگیزۀ واقعی اینـچنین تـجاویز را میدانند که هدف آن ترغیب بیشتر تجار بزرگ‌ودلالان‌کمپرادورجهت‌کسب سود بیشتر و قایل شدن‌به تبعیض میان صادرات‌اموال‌اساسی‌صادراتی‌ما بـه حوزه بـارتری وحـوزه «آزاد» تجارتی میباشد وازینطر یق‌کوشش میشود وزنه تجارت خارجی به سود حوزۀ «آزاد» تغییرنماید وزمینه‌برای نفـوذ بیشتر استعمار نـو یـن وامپر یالیسم در اقتصاد وتجارت کشور فراهم گردد .